# بررسی امکان اجتهاد متجزی

در این مجال از امکان و وقوع اجتهاد متجزی بحث خواهد شد و سایر آثار و مسائل فقهیه آن مانند "جواز تقلید المتجزی" در عروة الوثقی بحث شده است.

## استدلال بر امتناع اجتهاد متجزی :

### 1. عدم امکان تجزی کیف نفسانی

این استدلال مبتنی بر چند مقدمه است:

الف: اجتهاد مصطلح به معنای توانایی و قدرت در استنباط احکام است.

ب: قدرت و توانایی از کیفیّات نفسانیة است.

ج: کیفیات نفسانیه، مجرده و بسیط هستند، زیرا چنانچه کیفیات نفسانیه مادی باشند باید قابل انقسام به اجزاء خارجیة یا وهمیّة باشند و حال آنکه کیفیات نفسانی قابل انقسام نمی‌باشند.

نتیجه اینکه؛ اجتهاد مصطلح به معنای قدرت بوده و کیف نفسانی می‌باشد، لذا قابل انقسام و تجزّی نبوده و اجتهاد متجزی امکان پذیر نیست.

### نقد استدلال

زمانی قدرت غیرقابل تبعض و انقسام است که به‌ عنوان واحد اولیه کیف نفسانی باشد، برخلاف آنکه به ‌عنوان مجموع لحاظ شده باشد؛ مانند کیف نفسانی علم؛ چنانچه مراد هسته اولیه علم باشد لایقبل التبعض و الإنقسام، اما چنانچه مراد مجموع صور، قضایا و گزاره‌ها باشد، یقبل التبعض و الإنقسام

و حال‌آنکه منظور از اجتهاد مصطلح (توانایی بر استنباط احکام شرعیه) توانایی بر استنباط مجموع احکام می‌باشد که در نتیجه آن اجتهاد، قابل تجزی است.

### نتیجه

چنانچه متعلق قدرت، امر واحد یا متعدد متجانس باشد، تبعض و تجزی را قبول نمی کند، ولی اگر متعلق قدرت، متعدد و غیر متجانس (کما نحن فیه) باشد قابل تبعض و تجزی است . همانند اینکه شخصی در ادبیات عرب در باب شناخت حال و تمییز، توانمند باشد لکن در شناخت بدل و عطف بیان آن‌ چنان توانمند نباشد به دلیل اینکه متعلق این دو مورد، متعدد و غیر متجانس هستند، چنین تبعض و تجزی در علم او امکان پذیر است.

### 2. عدم امکان تفکیک بین مسائل فقهیه

دلیل دوم ممتنعین بنا بر آنچه در انوار الأصول آمده اینگونه است: "ربط المسائل الفقهيّة بعضها ببعض وعدم إمكان التفكيك بينها"

این استدلال بیشتر از آن‌که مبتنی بر دلیل عقلی باشد، ناظر به یک واقعیت عینی است.

مسائل فقهیه یک شبکه درهم‌تنیده، منسجم و مرتبط با یکدیگر هستند و این ارتباط بین مباحث و مسائل آن‌ چنان محکم و ناگسستنی است که توانایی استنباط در یک باب بدون توانایی استنباط در ابواب دیگر ممکن پذیر نیست. مانند آنکه توانایی و قدرت در استنباط مسائل باب حدود و دیات مرتبط با توانایی و قدرت در استنباط ابواب طهارة و صلاة بوده و قابل‌تفکیک نیست.

### نقد استدلال

علی‌رغم اینکه فی‌الجمله ارتباط و تنیدگی بین مباحث و مسائل فقهیه وجود دارد، لکن استدلال بر آن، کلیّت نداشته و استنباط بعضی از احکام با قواعد اولیه قابل‌تصور است.

نتیجه

 اجتهاد متجزی فی‌الجمله معقول و متصور است.لکن به دلیل ارتباط ابواب و مسائل فقهیه با یکدیگر باید در مقام استفراغ وسع، احتیاط کرده و از عدم تأثیر ملموس مسائل ابواب دیگر – که فقیه در آن مجتهد نیست- اطمینان حاصل شود.